



اکتبر از عبدالله دارابی می پرسد

اعلامیه حزب حکمتیست

یک سوال بالای سر پژاک؟

کابوس حکومت اسلامی

از تکرار آبانماه!

سیاست اعدام زندانیان

سیاسی را شکست میدهیم!

روز ۴ تیر برابر با ۲۴ ژوئن اعلام شد که حکم اعدام سه زندانی سیاسی؛ امیرحسین مرادی، سعید تمجیدی و محمد رحیمی، از بازداشت‌شدگان آبانماه توسط "دیوان عالی کشور" تأیید شده است. این سه جوان ابتدا در اسفند سال ۹۸ توسط قاضی صلواتی به اعدام محکوم شدند. روز ۷ تیر برابر با ۲۷ ژوئن محمد رضا حبیبی رئیس دادگستری اصفهان، اعلام کرد "که برای ۸ پرونده مربوط به اعتراضات سال ۹۶ و ۹۸ حکم مفسد فی الارض ثابت شده است". روز ۲۶ خرداد برابر با ۱۵ ژوئن دادگاه شعبه ۱۰۶ کیفری شهر اراک برای ۴۲ نفر از کارگران شرکت پیمانکاری آذربا که در اجتماع و راهپیمایی در مرکز شهر اراک در سال گذشته شرکت داشتند، حکم زندان و شلاق و کار اجباری صادر کرده است.

بدنبال انفجار خبر حکم اعدام سه جوان اعلام شد که "دیوان عالی کشور حکمی را تأیید نکرده است!" همینطور کارگران اراک خبر میدهند که "دادگستری اراک حکم کارگران آذربا را تکذیب کرده است!" واقعیت اینست که اعلام خبر اعدام زندانیان و اسرای دیماه ۹۶ و آبان ۹۸ و همینطور اعلام خبر حکم شلاق و زندان و بیگاری کارگران آگاهانه است. با اعلام خبر سونداژ میکنند و اگر با واکنش درخوری روبرو نشدند، اجرا میکنند و اگر به این نتیجه رسیدند که "هزینه دارد" منکر میشوند تا نگویند که عقب نشینی کردند. در صورتی که کارگران آذربا حکم دادگستری و لیست اسامی

صفحه ۲

صفحه ۳

نگاهی موجز به رویدادهای تیر ماه ۵۸ کردستان

و تجارب آن

صفحه ۵

اسماعیل ویسی

سنت مبارزات انقلابی در کردستان با اخاذی و

ترور سازمان پژاک بیگانه است

صفحه ۸

همایون گدازگر

بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست

نه به فقر، فلاکت و بیکاری

حرمت، معیشت و سلامت کلیه ساکنین ایران باید

صفحه ۱۰

تضمین شود!

اعلامیه کمیته کردستان حزب حکمتیست در باره

عملیات نظامی مشترک جمهوری اسلامی و رژیم

صفحه ۱۲

ترکیه در کردستان عراق

در صفحات ۲ و ۴

دو اطلاعیه خبری کمیته کردستان در رابطه با جانباختن فعالان محیط زیست در

آتش سوزی مناطق جنگلی پاوه و در رابطه با پژاک

## اعلامیه حزب حکمتیست

کابوس حکومت اسلامی از تکرار  
آبانماه!سیاست اعدام زندانیان سیاسی را شکست  
میدهیم!

کارگران را دیده اند. دادگستری زیر فشار افکار عمومی و واکنش ها "تکذیب میکند" همانطور که "دیوان عالی کشور" تأیید حکم اعدام سه جوان را "تکذیب میکند!" جمهوری اسلامی بدون سرکوب و اعدام قابل تعریف نیست. بدنبال شورش در زندانها رئیسی جلاد دستور اجرای سریع حکم زندانیان عادی که به اعدام محکوم شده بودند را داد. هدف این بود که هم از زندانیان سر به شورش برداشته زهر چشم بگیرند و هم جامعه در حال انفجار را که موقتاً بدلیل بیماری کرونا محدودیت دارد، بترسانند. هدف احکام شلاق و بیگاری و زندان برای کارگران معترض ظاهرآ سرکوب و تحقیر طبقه کارگر است اما انعکاس وحشت حکومت اسلامی سرمایه داران از پتانسیل عظیم اعتراض کارگری و خیزش میلیونی کارگران و گرسنگان است. سیاست سر به نیست کردن اسرای جنبش دیماه ۹۶ و آبان ۹۸، چه بصورت قتل زیر شکنجه و انداختن پیکر آنها در آبها و جنگلها و بیابانها، چه قتلهای پنهانی و صحنه سازی شده، چه اعدام در زندان، تلاشی بیهوده برای جلوگیری از شعله ور شدن مجدد آتش زیر خاکستر آبانماه است.

کابوس تکرار و ادامه آبانماه ۹۸ کل تاریخخانه های

جمهوری اسلامی را درنور دیده و هر روز سران حکومتی در اینمورد سخن میگویند. اینها حتی وحشت دارند آمار قربانیان و مکان زندانیان را اعلام کنند. مردم آزادیخواه و طبقه کارگر قتل جنایتکارانه بیش از ۱۵۰۰ جوان و کودک و کارگر مبارز و دستگیری هزاران معترض نفر را فراموش نمیکنند. تردید نکند که اینبار آتش خشم طبقاتی بمثابه آتشفشانی عظیم که کل پیکر منحوس حکومت اسلامی را خواهد سوزاند، فوران میکند. کابوس شما واقعی است، اما راه حل تان پوچ است. جامعه با قربانیان بیشمار فقر و فلاکت و بیماری و بیکاری و تداوم این سیاستها، هیچ راهی جز دوباره برخاستن برویش باز نیست. تا آنوقت مثل تخم چشم از زندانیان و اسرایمان دفاع خواهیم کرد و حکومت اسلامی را از هر حرکت احمقانه و جنایتکارانه پشیمان خواهیم کرد. آبانماه ادامه دارد. کلیه زندانیان سیاسی بدون قید و شرط باید آزاد شوند.

**مرگ بر جمهوری اسلامی!**  
**آزادی، برابری، حکومت کارگری!**  
**زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**  
**حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست**  
۸ تیر ۱۳۹۹ - ۲۸ ژوئن ۲۰۲۰

## مرکز خبری کمیته کردستان حزب حکمتیست

جانباختن سه جوان در آتش سوزی  
جنگل در منطقه پاوه

در چند روز اخیر اثر آتش سوزی و با شدت آن ازبامداد امروز در مناطق حفاظت شده بوزین و مرخیل شهر پاوه بیش از ۷۰۰ هکتار از مراتع و جنگلهای این منطقه در آتش سوخته است. عصر امروز یکشنبه ۲۸ ژوئن در جریان مهار این آتش سوزی، مختار خندانی سخنگو و عضو هیئت موسس "انجمن زیست محیطی ژبوا" و دو تن دیگر از فعالان محیط زیست به اسامی بلال امینی و یاسین کریمی جان خود را از دست داده و سه تن دیگر به اسامی عارف خدادی و جمیل عبدی و سوران محمدی هنگام اطفاء حریق دچار سوختگی شدید شده اند. مردم شهر پاوه هنگام بدرقه جانباختگان این حادثه دلخراش تجمع بزرگی بر پا کردند.

کمیته کردستان حزب حکمتیست ضمن تسلیت و اظهار همدردی عمیق با خانواده، دوستان و بستگان این عزیزان، ناکارآمدی و بی مسئولیتی دولت در مقابله با بحرانها و آتش سوزیها را عامل جانباختن این جوانان و دهها جانباخته دیگر در حوادث مشابه در سالهای قبل می داند. در شرایط بحرانی امروز ایران به دلیل ناکارآمدی و لاقیدی دولت و عدم مسئولیت پذیری در قبال جان و سلامت مردم و حفاظت از محیط زیست، مردم و فعالین ناچارند خود را سازمان دهند و به مقابله با حوادث پیش آمده بپردازند و در این راه جان خود را از دست دهند.

مرگ بر جمهوری اسلامی

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
۲۸ ژوئن ۲۰۲۰



## اکتبر از عبدالله دارابی می پرسد

## یک سوال بالای سر پژاک؟



عبدالله دارابی

darabi.abe@gmail.com

سرانه بگیرد، مردم ناراضی از خود را تهدید یا به گلوله ببندد، نه تنها حزب نیست، گردنه بگیر است و باید تمام قد افشا شود. مردم کردستان ایران بخوبی به این امر واقفند که، رژیم جمهوری اسلامی از همه اقدامات ریز و درشت این گروه مطلع اند، از نزدیک حضور و اعمال نامربوط شان را نظاره میکند، اما در برابر مردم ناراضی و معترض در این زمینه، به این نوع حضور جریانات ناسیونالیست هر دم آماده همکاری در امروز و فردای تحولات برای مقابله با رادیکالیسم و حق طلبی مردم نیازمند است و خود را به کوچه علی چپ زده و به سبک و سیاق حاکمیت بیشتر از ۴۰ ساله خود، از پاسخ دادن به مردم سر باز میزند و خود را به کسی بدهکار نمیداند چون کار این نوع احزاب به نفع اش است نه به ضرر. این روند، تنها به عملکرد یکسال اخیر پژاک در این منطقه بر نمیگردد. تأثیرات تغییر و تحولات مبارزه طبقاتی دو سال اخیر جامعه ایران و کردستان، کل احزاب ناسیونالیست را مضطرب کرده، و نشان می دهد که قاشق شان به ته دیگ خورده و فریاد حق طلبی را از عمق به سطح کشانده، و تا حدودی میدان اجحاف و زور گویی احزاب بورژوا ناسیونالیست و قوم پرست کرد را در همه جای کردستان تنگ

چنان نیروهای مرتجعی در آن مناطق مستقر باشند. امروز نیز منافع رژیم آنطور ایجاب می کند که به کمک شاخه های تازه تری از ملیون و مذهبیین جدید و کهنه کار چهل ساله، بقای فرسوده و نیمه جانش را برای چند صباحی دیگر در منطقه حفظ نماید. ذهی خیال باطل!! از جریاناتی که قصد دارند بدون درس عبرت گرفتن از تاریخ گذشته، باز به درک و شعور و پتانسیل و تجارب واقعی چهل ساله مردمی که خود جمهوری اسلامی را به چالش کشیده اند، بازی کنند و به آن واقعی نهند و نسبت به آن بی اعتنا و بی اهمیت باشند. باید این را دانست که انزجار مردم از آنچه که امروز در نوار مرزی کردستان می گذرد بمراتب فرا تر و عمیق تر از گذشته است. چون میبینند مبارزه طبقاتی در ایران عروج کرده، کارگر آگاه و مردم آزاد یخواه در صحنه نبرد علنی حضور دارند و دیگر نمیخواهند و نمی پذیرند بار دیگر زیر بارهیچ نوع ستم و استثمار که ملی-مذهبی ها برایشان پیچیده اند بروند و به آن تن در دهند. پژاک، در تناسب قوای امروز بین مردم و جمهوری اسلامی از یکسو، و هزیمت بخشی دیگر از ناسیونالیسم کرد از سوی دیگر، فرصت را غنیمت شمرده تا با آمد و رفت متکی به اغماض سپاه پاسداران، نزد رژیم جا پایی برای خود دست و پا کند. امروز از شمال تا جنوب کردستان به صورت مستمر دست به کار هایی میزند که از نظر مردم معترض غیر قابل هضم است. پژاک با حضور خود در باج گیری و سرانه گرفتن از کولبران و کاسبکاران کردستان ایران و عراق، هر بار مجوز احزاب حاکم اقلیم (هریم) ، را برخ مردم میکشد و به کمک و یاری آنها این بخش از کارگران و زحمتکشان را به باج دهی ناچار میکند. اما غافل از آنند که، هر حزب و جریانی که حق مردم زحمتکش را لگد مال کند، از کولبران

**اکتبر:** چرا پژاک (سازمان حیات آزاد کردستان)، در این شرایط حساس سیاسی-اجتماعی ایران، به عنوان تنها جریان ناسیونالیست میتواند آزادانه در مناطق مرزی و روستا های کردستان ایران رفت و آمد داشته باشد، اخاذی کند و در مواردی کاسبکار و افراد ناراضی و معترض بخود را به قتل برساند، ولی صرف رفت و آمد در همین مناطق، برای دیگر احزاب و جریانات اپوزیسیون ایرانی توسط جمهوری اسلامی ممنوع و غیر مجاز محسوب شود، این ورود و خروج های آزاد و ممنوع از کجا سرچشمه میگیرد؟

**عبدالله دارابی:** قبل از هر چیز نشانه قوی معامله و بندوبست با جمهوری اسلامی و دم و دستگاه نظامی مستقر این رژیم سرکوبگر در این مناطق است. ورود و خروج آزاد و ممنوع در یک جغرافیای معین، توأم و منطبق با منافع و شرایط خاص هر دوره ای همواره یک اصل خدشه ناپذیر نظام سرمایه داری حاکم و جمهوری اسلامی بوده و هست. جهت اطلاع نسل جوان امروز، در آستانه تحمیل جمهوری اسلامی بر کرده مردم ایران و کردستان در سالهای ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ شمسی، همین مناطق جولان گاه امروز پژاک، محل تاخت و تاز افراد مسلح مذهبی مرتجع احمد مفتی زاده، قیاده موقت (پارت دمکرات کردستان عراق آندوره) و مالکان مرتجع بود که قصد داشتند با تمرکز نیرو در روستای دزلی بین مریوان-اورامان، و استقرار در محل ساواک رژیم قبلی شاه، به شهر و روستا های مریوان حمله کنند و آنرا از دست مردم و شورا های انقلابی شهر و محلات که ساخته و پرداخته دست خودشان بود، در آورند و بدینوسیله زیر چتر حاکمیت رژیم به زندگی انگلی و خفت بار خود ادامه دهند، ولی شکست خوردند. منفعت رژیم جمهوری اسلامی، در آن زمان آنطور ایجاب میکرد که آن زمان

## اکتبر از عبدالله دارابی می پرسد

### یک سوال بالای سر پژاک؟

کرده ، و از این پس اجازه نمیدهند تحت نام کوردایتی، مورد ظلم و ستم و اخاذی کردن قرار بگیرند و آنرا بپذیرند. عینا مثل سایر مردم دیگر مناطق در سراسر ایران، که سر سوزنی به هیچ بخش و جناحی از رژیم اعتماد ندارند و برای به زیر کشیدن آنها لحظه شماری می کنند.

امروزه هر کس و هر جریانی بخواهد حرف واقعی و اول را بزند، و بخواهد ستم و استثمار و فقر و فلاکت را از سر خود و جامعه بر دارد، باید به اصلی ترین طبقه جامعه (طبقه کارگر) فکر و فوکوس کند، نه سرمایه داری استثمارگر و حکومت‌های آدمکش و دیکتاتور شان. باید از منظر خواست طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایران و کردستان، به جامعه نگاه کرد و استثمار و فقر و ستم و تنگدستی را از بین ببرد نه با " سر دادن شعارهای تو خالی "خلق گرایان و وطن پرستان "ملی-مذهبی امتحان پس داده، که صد ها ساله شان به شانهمدیگر با حاکمیت استثمار گرانه شان زندگی را از مردم زحمتکش و تهی دست گرفته و سرانجام کار را بجایی رسانده اند که، امنیت و معیشت را از مردم سلب کنند . محل زیست و استراحت مردم و رفاه و امنیت و آسایش و خواب آنها را به گور های کنده شده و پشت بام ها حواله میدهند آنها با اجاره بهای شبانه ۳۰ تا ۵۰ هزار تومان.

طی سی سال اخیر مردم بجایی رسیده اند که زندگی زیر پرچم احزاب بورژوازیونالیست کرد هم از جمله در کردستان عراق ، بمراتب بد تر از آن مینند که قبلا، تصورش میرفت. چون احزاب و گروه های بورژوازیونالیست کرد هم عین بقیه دولتهای همسایه دور و بر، امتحان پس داده هستند و چیزی غیر از تباهی و نابسامانی برای مردم زحمتکش و تهی دست باقی نگذاشته اند، و هیچ روزه امیدی برای زیستن زیر چتر و حاکمیت اینها هم برای مردم کرد باقی نمانده است. پژاک و دیگر جریانات ناسیونالیست چیزی جز ناامنی و تباهی را برای مردم به ارمغان نمیآورند. اقدامات تروریستی اخیر و ناامنی که در مناطق آمد و رفت توسط پژاک به وجود آمده تنها نمونه های اولیه ای است که مردم با چشم خود آن را می بینند. و در پایان باردیگر یادآوری میکنم این سوال مردم بالای سر پژاک در گشت و گذار است که چگونه آزادانه و بی دردسر در مناطق تحت کنترل و سرکوبگری ارتش و سپاه پاسداران جمهوری اسلامی در آمد و رفت و مشغول قتل، اخاذی و زورگویی علیه مردم است؟ به این سوال باید پاسخ سراسر است و شفاف بدهند!

عبدالله دارابی

۲۰۲۰-۰۶-۲۹

### مرکز خبری کمیته کردستان حزب حکمتیست

بنا به خبری که از روستای دری در منطقه مریوان بدست ما رسیده است ، شب دهم خرداد ماه در این روستا فردی به اسم ایوب احمدی کشته می شود . تلاش مردم روستا برای یافتن فرد مظنونی به اسم امین ویسی در ارتباط با این قتل در روزهای اول به جایی نمی رسد . اما در غروب روز ۱۴ خرداد و چهار روز بعد از این واقعه افراد مسلح پژاک (حزب حیات کردستان) همراه امین ویسی وارد روستای دری می شوند و اعلام می کنند که قتل ایوب احمدی کار آنها نبوده و همچنین امین ویسی در این جنایت دست نداشته است . افراد مسلح پژاک هم چنین اعلام می کنند ، از آنجا که به اسلام و قرآن عقیده دارند حاضرند در مسجد آبادی برای مردم روستا سوگند یاد کنند که آنها چنین کاری نکرده اند . مردم عصبانی که از رابطه امین ویسی و همسر ایوب احمدی مطلع بوده اند بخاطر پشتیبانی پژاک از امین ویسی به افراد مسلح پژاک اعتراض می کنند که منجر به درگیری لفظی با آنها می شود . افراد مسلح مردم را تهدید می کنند در صورت نزدیک شدن بطرف آنها شلیک خواهند کرد . در نتیجه افراد مسلح با شلیک تیر هوایی مجبور به ترک روستا می شوند و امین ویسی را هم همراه خود می برند . از آن زمان تاکنون امین ویسی که فردی بد نام و نامحسوب در میان مردم منطقه است ، مخفی شده و کسی از محل اقامت او اطلاعی ندارد . مردم منطقه از پناه دادن افراد پژاک به امین ویسی که مظنون به قتل ایوب احمدی است عصبانی و معترضند .

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۵ ژوئن ۲۰۲۰

کارگر به پا خیز برای رفع تبعیض

# نگاهی موجز به رویدادهای تیر ماه ۵۸ کردستان و تجارب آن

اسماعیل ویسی



کردستان نه تنها همچنان ادامه داشت بلکه روز به روز بیشتر بسط و گسترش پیدا می کرد. در آنمدت کوتاه نهایتاً ۷ ماه پس از سرنگون شدن استبداد شاهی، مردم مناطق دیگر ایران بخصوص تهران و شهرهای بزرگ، از آنچه در کردستان میگذشت کم و بیش مطلع شدند. فضای آزاد و انقلابی در کردستان چنان میان مردم آزادیخواه و انقلابی سراسر ایران انعکاس پیدا کرده بود که عملاً تداوم خواسته هایشان در انقلاب ۵۷ را در جامعه کردستان میدیدند، و کردستان "سنگر انقلاب" لقب گرفته بود. عملاً و بحق هم چنین بود!

چنین وضعیتی برای کل ارتجاع اسلامی حاکم به سرکردگی خمینی و "ارتجاع قومی- مذهبی بویژه جریان مفتی زاده، مکتب قرآن" قابل تحمل نبود و از سرایت این فضای آزاد سیاسی- اجتماعی و مقاومت انقلابی و توده ای به سراسر ایران وحشت داشتند. برای به شکست کشانیدن و سرکوب این فضای انقلابی از هیچگونه تلاشی خودداری نکردند. راه انداختن جنگ و درگیری و لشکر کشی و مسلح کردن مرتجعین فنودال در مناطق مختلف، جریانات مذهبی و لمپن های اسلامی پاسدار و عوامل مفتی زاده در سراسر کردستان بویژه در شهرهای پاوه و اورامانات، منطقه دیواندره، شمال کردستان، نغده، و مریوان و واقعه ۲۲ تیر ۵۸ مریوان است که، نقطه عطفی تاریخی در جنبش آزادیخواهانه در کردستان، میباشند. از نتایج سیاستهای تحمیلی ضد انقلاب

جریان مفتی زاده، برای زد و بند، معامله کردن و به سازش رسیدن با رژیم نوپای اسلامی "جامعه بدنبال سیاستهای چپ و آزادیخواهانه سمت و سو پیدا کرده و عملاً، انتخاب سیاسی- اجتماعی را مابین جنبش آزادیخواهانه و قومی- مذهبی، کرده بود. کوهی از اسناد غیر قابل انکار در رابطه با شرایط سیاسی- اجتماعی و امنیتی آن روز جامعه کردستان ثابت میکنند که بر سراسر کردستان فضای آزاد سیاسی و امنیت و آسایش حاکم بود و احزاب سیاسی در آزادی بی قید و شرط فعالیت می کردند. جامعه توسط شوراهای و ارگانهای مردمی اداره می شد. مفاهیم و مطالباتی چون "آزادی- برابری و آزادی بی قید و شرط فعالیت سیاسی، بیان و تامین بیمه های اجتماعی، بیکاری، درمانی مطرح و در سرلوحه خواسته های مردم بود.

وضعیت فوق برای رژیم سیاسی اسلامی که ماموریت اساسی اش سرکوب انقلاب و مطالبات آزادیخواهانه و عدالت طلبانه مردم بود، غیر قابل قبول و غیر تحمل بود. مرکز ثقل این وضعیت در تداوم و در دفاع از دستاوردهای انقلاب، عملاً جامعه کردستان و شهر سنندج بود. به همین خاطر در جریان رقابت و درگیری مسلحانه مابین دو جریان "ارتجاعی طرفداران مفتی زاده و صفدری" در شهر سنندج حکومت اسلامی برای سرکوب فضای آزادیخواهانه، فرصت را غنیمت شمرده و توسط ارتش غسل تعمید اسلامی داده شده، شهرسنندج به توپ و خمپاره بسته شد و واقعه نرووز خونین ۵۸ را با کشتار و زخمی کردن صدها نفر به مردم شهر سنندج تحمیل کردند.

## کردستان سنگر انقلاب!

در جامعه کردستان جو و فضای آزاد سیاسی- اجتماعی به معنی واقعی و انقلابی حاکم بود؛ عملاً انقلابی که رژیم سلطنتی پهلوی را سرنگون کرده بود با نیروی کارگران و زحمتکشان و توده های مردم آزادیخواه و سکولار و انقلابی

انقلاب سال ۵۷ در ایران برعلیه رژیم سلطنتی پهلوی، انقلابی آزادیخواهانه و حق طلبانه بود. انقلابی برای دستیابی به آزادی، رفاه و آسایش از هر لحاظ بود. هدف اساسی توده های مردم شرکت کننده و انقلابیون دستیابی و ایجاد زندگی ای بهتر بود. طبقه کارگر درانقلاب ۵۷ نقش اساسی در ساقط کردن استبداد سلطنتی پهلوی داشت. اما، معنی نکردن مفهوم سرنگونی انقلابی و عدم وجود حزب کمونیستی کارگری و سیاست روشن و مشخص کمونیستی کارگری در هدایت و رهبری مبارزات طبقه کارگر و جنبشهای آزادیخواهانه و حق طلبانه اجتماعی دخیل در جریان خیزش انقلابی و توده ای ۵۷، معضل اساسی بود. جنبه صرفاً ضد استبدادی و وجود تعلق خاطر سیاسی- اجتماعی جریانات به اصطلاح چپ به اسلام انقلابی؟! حمایت دولتهای غربی به قصد جلوگیری از بقدرت رسیدن چپ، کاری کرد، ضد انقلاب اسلامی را بر شانه های سنت توده ایستی، و جبهه ملی و فرهنگ ملی - مذهبی ضد غربگرایی بقدرت رسانده شود. ضد انقلاب اسلامی در اساس ماموریت و وظیفه اش سرکوب انقلاب آزادیخواهانه و عدالت طلبانه مردم و بشکست کشاندن آن بود.

در جریان خیزش توده های مردم درانقلاب ۵۷ در جامعه کردستان نیروهای چپ و کمونیست و آزادیخواه، نقش اساسی و رهبری کننده را داشتند. جریان ارتجاع اسلامی تسنن "مکتب قرآن مفتی زاده و تشیع طرفدار خمینی" در حاشیه قرار داشتند. حضور ملموس نیروهای چپ و کمونیست پس از سرنگونی استبداد سلطنتی و فقدان پایگاه اجتماعی جریان اسلامی تازه به قدرت رسیده در ایران یکی از عوامل وجود آزادیهای بی قید و شرط سیاسی در کردستان بود. عیلمرغم تمامی تلاشهای ارتجاع ملی- مذهبی در هیئت "کل جنبش بورژوا ناسیونالیستی کرد در قالب حزب دموکرات کردستان ایران و

## نگاهی موجز به رویدادهای تیر ماه ۵۸ کردستان و تجارب آن

### اسماعیل ویسی

**اجتماعی و پر حرف، نشان داده شد.** این پیروزی نشان داد جنایتکاران ملون بورژوازی و قومی - مذهبی در مقابل مقاومت توده ای سازمانیافته، تصمیم و اراده متحدانه و آگاهانه زنان و مردان کارگر و زحمتکش " توده های مردم " ورهبری و هدایت سیاسی، حزبی اجتماعی، تاب مقاومت، ندارند. از این منظر مقاومت و واقعه ۲۳ تیر و کوچ تاریخی مردم مبارز مریوان در سال ۱۳۵۸ و مقاومت ۲۴ روزه شهر سنندج در سال ۱۳۵۹ و کوبانی سمبل و الگوی مبارزات آزادیخواهانه این دوره است و لازم است از آن تجارب سازمانی و مبارزاتی درس گرفت. زیرا اوضاع و احوال کل منطقه ملتهب است. دولتها و جریانات ارتجاعی اسلامی جنگ ناخواسته ای را به اکثریت مردم زحمتکش تحمیل کرده و می کوشند آنها را به هر شیوه ممکن ادامه بدهند. رژیم اسلامی در ایران یکی از سردمداران اصلی این وضعیت ملتهب و جنگ ارتجاعی تحمیل شده و تداوم آن بوده و خواهد بود.

اوضاع و احوال سیاسی- اجتماعی جامعه ایران ملتهب و آبیستن تحولات عمیق سیاسی- اجتماعی است. اعتراضات توده ای اجتماعی دی ماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ هدفش سرنگونی رژیم اسلامی بود، بسیار عیان و ملموس است. سردمداران اصلی حکومت اسلامی پیام را گرفته اند. هیچ راهی بجز تلاش برای سرنگون شدنش، پیش روی جامعه نموده است. مصاف جدی در جریان است. میتوان تاکید کرد که، وضعیت ناهنجاری است. حساسیت اوضاع را باید متوجه شد. در این رابطه سطح بسیار بالائی از هوشیاری و آگاهگری با مبارزه سازمانیافته تر در ابعاد سراسری در جامعه کردستان علیه هر نوع تحرکات ارتجاع قومی- مذهبی و غیر مسئول را می طلبد. رژیم اسلامی در کردستان برای فعال کردن و بکارگیری مجدد " مزدوران خود و تقویت

صفحه ۷

مبارزاتی در ابعاد اجتماعی، ارتجاع اسلامی حاکم را هراسان نموده بود و نهایتاً آنان را واداشت که در **روز ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ با فرمان حمله خمینی و اعلام جنگ علیه مردم آزادخواه و بیخاسته کردستان یک عرصه مهم تداوم انقلاب ۵۷ را به خاک و خون یکشند.** این جنگ و حمله وحشیانه عملاً جنگ سرکوبگران انقلاب ۵۷ علیه مدافعان دستاوردهای همان انقلاب بود تا بتوانند آخرین سنگرهای بازمانده از انقلاب ۵۷ را سرکوب و تسخیر کنند. نهایتاً از این حمله نقطه عطف و آغازی در جهت تحقق استراتژی سیاسی و اهداف سیاسی- اجتماعی که هموار کننده تثبیت حاکمیت سیاسی اش، بود. می تواند یاد کرد. اعلان جنگ و یورشوی که با مقاومت مسلحانه در ابعاد اجتماعی و توده ای روبرو گردید و بعد از ۳ ماه نیروهای سرکوبگر اسلامی با شکست مفتضحانه ای روبرو گردیدند و خمینی ناچاراً در ۲۶ آبان ماه ۱۳۵۸ با صدور پیام عاجزانه پر از "تقیه" و سراپا ریاکارانه خطاب به " برادران کرد " عملاً شکست موقت را برای خریدن وقت و باز سازی نیروهای سرکوبگرش بپذیرد و به آن اذعان کند

### تجربه عملی که باید بکار بست

باید تاکید کرد که تمامی آن نقاط عطف مقاومتی، خود بخود و غیر سازمانیافته و بدون رهبری حزبی و سازمانی ممکن نبود. همچنانکه مقاومت و آزاد شدن شهر کوبانی در نتیجه سازماندهی، عزم راسخ و اراده ای آگاهانه در دفاع از حق حیات و سرنوشت خود، که بسیار تحسین برانگیز است و صف ارتجاع را در کل منطقه در تنگنا قرار داده و صف آزادیخواهی را تقویت نموده. این وضعیت یادآور تجارب بسیار ارزنده تاریخی ای است، که بار دیگر **نقش رهبری سیاسی حزب دخالنگر و سازماندهی، با تشخیص درست و به بموقع در بزرگراههای سیاسی، عملاً به جریانات سیاسی فاقد عمل**

اسلامی در کردستان بود. **روز ۲۳ تیر ماه ۵۸ مریوان، واقعه ای تاریخی- اجتماعی** فضای ملتهب جامعه کردستان آماده انفجار بود، شهرهای کردستان و از جمله مریوان توسط شورای منتخب مردم اداره میشد. در روز ۲۳ تیر ماه ۵۸ مردم شهر بنا بر تصمیم شورای شهرکه خواهان تعطیلی مقرسپاه پاسداران بودند، دست به راهپیمائی مسالمت آمیز زدند. مزدوران محلی و پاسداران مستقر در مقرشان، تظاهرات مسالمت آمیز مردم را به گلوله میبندند و تیراندازی فضای شهر را متشنج میکنند. در نهایت معترضین به مقرسپاه حمله میکنند و در ادامه درگیری چندین نفر از مزدوران کشته و مقرر به تصرف آزادیخواهان در میاید. متعاقب آن ارتش مستقر در پادگان تلاش می کند به شهر حمله کرده و آنها را تصرف کنند که با مقاومت مسلحانه نیروهای انقلابی و توده ای مردم و حمایت ساکنین روستاهای حومه شهر مریوان، روبرو میگردند. ناچاراً **شورای شهر** برای جلوگیری از کشتار مردم و حمله ارتش به شهر، تصمیم میگیرد بعنوان اعتراض شهر را تخلیه و بطرف مرز ایران- عراق کوچ کنند، شهر تخلیه میشود و واقعه تاریخی **کوچ مردم مریوان** بوقوع میببندد. واقعه ای تاریخی- اجتماعی که بلافاصله مورد حمایت مردم شهرهای کردستان قرار گرفت و هزاران هزار نفر از مردم شهرهای سنندج، سقز و بانه در حمایت از این اعتراض یکپارچه و تاریخی مردم بطرف شهر مریوان و به هدف پیوستن به آنان دست به راهپیمائی زدند. این حرکت تاریخی شکل دیگری از مقاومت توده ای را در برابر سرکوبگران اسلامی و ارتجاع قومی- مذهبی در کردستان، که تلاش میکردند در راستای سیاستهای ارتجاع حاکم پیش برونند، در دفاع از حقوق سیاسی- انسانی و اجتماعی شان با موفقیت به نمایش گذاشته، شد. تداوم روند چنین اوضاع سیاسی-

# نگاهی موجز به رویدادهای تیر ماه ۵۸ کردستان و تجارب آن

اسماعیل ویسی

طریق اعمال اراده مستقیم توده کارگر و مردم را در مبارزات جاری و در فردای تحولات تضمین کرد. در خاتمه برای تقابل جدی و اساسی با حکومت اسلامی در کردستان هم، سازماندهی سراسری در ابعاد وسیع در جامعه کردستان را می طلبد. باید گامهای عملی را برداشت. محافل فعالین و رهبران جنبشهای اجتماعی آزادیخواه و برابری طلب در تمامی شهرهای کردستان وجود دارند. وظیفه رهبران عملی کارگری، کمونیست، و جنبشهای توده ای اجتماعی این است که برای مرتبط شدن و ایجاد شبکه سازماندهی وسیع این محافل برای مادیت بخشیدن به مفاد چه باید کردشان اقدام کنند. قبلا زمینه فعالیتها مشترک و هماهنگ شده وجود داشته است. تجارب سالهای گذشته را بکار بندید. این تجارب را مبنای سازماندهی هدفمند در تقابل با ارتجاع و برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی و در پروسه سرنگونی اش که بطور حتم خلاء قدرت پیش میاید، در برابر ابراز قدرت ارتجاع قومی- مذهبی، قرار بدهید. **از هم اکنون باید دست بکار شد.**

اسماعیل ویسی - 6 تیر 1399 - 26 ژوئن 2020  
esmail.waisi@gmail.com2019

جریانات ارتجاعی اسلامی " سلفی گری، سنی گری- داعش خفته " وسیعا تلاش کرده و می کند. حربه بکارگیری و به تقلا افتادن ارتجاع قومی- مذهبی، صرفا برای رسیدن به اهداف سیاسی- طبقاتی و اجتماعی خود و تلاش برای تفرقه و جدائی از هر طرف در جریان است. ارتجاع قومی مذهبی میکوشد خود را منسجم کند و در تقابل تحولات انقلابی آتی که منافع اکثریت توده مردم کارگر و زحمتکش کردستان را تامین کند، بایستد. زیرا تاکید بر سیاستهای مرکز همکار ی احزاب کردی از زبان خالد عزیزی برای غسل تعمید دادن جریان مفتی زاده و همچنین جنایات اخیر پژاک در منطقه اورامان و مریوان، نشان از نوع سیاست و اهداف طبقاتی- اجتماعی شان در تقابل با منافع اکثریت مردم زحمتکش جامعه کردستان میباشد. زیرا جامعه کردستان، جامعه ای طبقاتی است. مشکل اساسی اکثریت مردم آن جامعه " **تامین معیشتی و زیستی و نجات پیدا کردن از دست فقر و فلاکتی است که، به بمن موجودیت رژیم اسلامی، تحمیل شده است.** می باشد.

تقابل با هر نوع ارتجاع قومی- مذهبی " از جمله جنبش بورژوا ناسیونالیست کرد تحت لوای کردایتی و جریان مفتی زاده ای، مکتب قرآنی ها که بکار های خیریه روی آورده اند و اصلاح طلبان کرد که پاره ای از پیکره رژیم اسلامی اند " را، نباید به فردا موکول کرد در این راستا لازم است انسانهای آزادیخواه، محافل رهبران عملی، توده ای، اجتماعی و انسان های آزادیخواه و مدافعین برابری طلب در کردستان که زمینه اجتماعیش هم موجود است، برای ایجاد همبستگی اجتماعی و سازماندهی با برنامه، هدفمند باید سریعا و بدون فوت وقت وارد عمل شوند. در این راستا:

۱- در محلات خود را سازماندهی کرده و باید متشکل شد. کنترل محلات را در دست گرفت و فضای آزادیخواهی را دامن زد. و از ابراز وجود و ازهرگونه مزاحمت ارتجاع و مزدورانش، جلوگیری کرد. ۲- شبکه وسیعی از سازماندهی گروههای پیشرو آزادیخواه در سطح شهرهای کردستان را تشکیل داده و به تبادل اطلاعات و همفکری با همدیگر پرداخت. ۳- واحد های گارد آزادی را تشکیل داده و چون شبکه ای بهم بافته شده عمل کرد. واحدهای گارد آزادی باید دست بکار شوند و در برابر هر گونه جریان ارتجاعی بویژه مزدوران کهنه و تازه رژیم و ارتجاع قومی- مذهبی کرد و کردایه تی، واکنش نشان دهند و با آگاهگری و بسیج فضای آزادیخواهی علیه تحركات ارتجاعی شان، محیط را بر آنها تنگ کرده و از محله و شهر طرد کنند. واحدهای گارد آزادی یعنی صف محکم و مسلح و سازمانیافته آزادیخواهان در برابر ارتجاع قومی - مذهبی و برای ایجاد آینده ای روشن و در دفاع از امنیت و مدنیت جامعه است. ۴- در هر مرکز و رشته کارگری، در محلات و شهرها باید زمینه اجتماعی ایجاد و سازماندهی شوراهای را فراهم کرد و از این

**تشکیل شوراهای در محل کار و زیست،**

**برای اعمال حاکمیت و اراده جمعی**

**کارگران در محیط کار، و مردم در**

**محلات امری مهم و ضروری در تحولات**

**سیاسی پیش رو در ایران است.**

**زنده باد تشکیل شوراهای**

# سنت مبارزات انقلابی در کردستان با اخاذی و ترور سازمان

## پژاک بیگانه است

همایون گدازگر



این جریان دنبالچه پ.ک.ک ( حزب کارگران کردستان ) در ترکیه است . شعبه ایرانی این جریان است که در راستای اهداف و سیاست منطقه ای پ.ک.ک در کردستان ایران سر هم بندی شده است . در واقع وزنه ای است در دست پ.ک.ک برای معامله و دادوستد با جمهوری اسلامی در دل تحولات منطقه . فعالیت و موضعگیرهایشان در اجلاس و کنگره هایشان در رابطه با جمهوری اسلامی تابع دوری و نزدیکی پ.ک.ک به جمهوری اسلامی است . هیچوقت صحبتی در مورد سرنگونی جمهوری اسلامی نداشته اند . رادیکال ترین حرفشان نامه به خامنه و یا نصیحت گاه به گاه به جمهوری اسلامی برای هدیه دمکراسی به مردم کردستان است . مذهب و عقب افتاده گی و خرافات در مناسباتشان موج می زند . مبلغ احترام به ملا و رهبر دینی و پرداخت خمس و ذکات وعاشورا و تاسوعا در میان مردم هستند . روشن است چنین جریانی با فرهنگ پیشرو و مدرن امروزی جامعه کردستان بیگانه و نا آشنا است . به همین دلیل از دید مردم ناشناخته و سردرگم به حساب می آیند و بر عکس احزاب ریشه دار واجتماعی کردستان بود و نبودشان تاثیری

توده های مردم کردستان عجین است . احزاب ناسیونالیست در کردستان تاریخ و استراتژی سیاسی خود را دارند . خودمختاری ، فدرالیسم ، استقلال کردستان و غیره اهداف سیاسی اشان است . در ورای هر نقد سیاسی طبقاتی که ما کمونیستها به آنها داریم بالاخره اهداف و مبدا و مقصدشان ، سیاستها و استراتژی اشان روشن و متکی به یک تاریخ معین است . معلوم است از کجا آمده اند و به کجا می خواهند بروند .

هچنین احزاب چپ و کمونیست که زندگی و مبارزه اشان در ۴۰ سال گذشته با خواست و مبارزه مردم زحمتکش در عمق جامعه کردستان در هم تنیده شده است ، معلوم است چه می خواهند . داستان جانفشانی و جنگ کوچه به کوچه در دفاع از آزادی و برای عدالت اجتماعی بخشی از تاریخ ۴ دهه گذشته آنها در کردستان است . مبارزه علیه استثمار و ظلم و مبارزه قاطع و سازش ناپذیر علیه جمهوری اسلامی و در دفاع از حقوق کارگران و مردم زحمتکش به اسم آنها ثبت شده است . در کردستان همه واقف هستند که این صف کمونیستها هستند که علیه مذهب ، یایمال شدن حقوق زن در جامعه و بندو بست ناسیونالیستها با جمهوری اسلامی سیاست روشن و اعلام شده خود را دارند . توده های میلیونی مردم کردستان تفاوت آنها را با احزاب بورژوا- ناسیونالیست می شناسند .

سازمانی که به اسم پژاک مشغول اخاذی از مردم زحمتکش و ترور و ایجاد ترس و اختناق در کردستان ایران است ، ربطی به این تاریخ ندارد . این جریان محصول سوخت و ساز جامعه کردستان نیست و ربطی به آن تاریخ و زندگی و مبارزه مردم کردستان ندارد ، برعکس علیه آن و در مقابل آن است .

۴۰ سال مبارزه سیاسی - طبقاتی در کردستان و سنت هایی که باقیمت جانفشانی دو نسل از خود بجا گذاشته است به آسانی قابل مصادر شدن نیست . اخاذی و ترور و زورگوئیهای اخیر سازمان پژاک ( حزب آزاد حیات کردستان ) در مناطقی از کردستان ایران بار دیگر بحث در مورد هویت ، سیاست و عملکرد این جریان مسلح را در بین مردم منطقه و احزاب سیاسی دامن زده است . توده های مردم کردستان می دانند که پژاک کوچکترین ربطی به تاریخ مبارزاتی ۴۰ ساله گذشته آنها ندارد . تاریخی که مملو است از مبارزات توده ای و مسلحانه علیه جمهوری اسلامی و سرمایه داران و ملاکین زورگوی سابق در کردستان که اساسا از طرف این احزاب رهبری می شده اند . جریان پژاک نمی تواند از نیمه راه وارد این تاریخ بشود و آنرا مصادره و یا حتی در آن شریک بشود . تاریخ معاصر کردستان ، تاریخ پیدایش احزاب سیاسی در کردستان ایران بخصوص بعد از انقلاب ۵۷ طی ۴۰ سال گذشته است که هرکدام از نظر سیاسی و طبقاتی متکی به سیاستها و سنت هایی هستند که برای مردم کردستان شناخته شده و معرفی شده است . سیاست و سنتهایی که از عمق جامعه و به سبب تضاد طبقاتی و ستمگری ملی در کردستان قالب خورده است و دو نسل از مردمان این منطقه با آن بزرگ شده اند .

علیرغم بندوبست های احزاب ناسیونالیست که همواره از طرف کمونیستها افشا شده است ، و باوجود اختلاف سیاسی - طبقاتی بین احزاب بورژوا - ناسیونالیست و احزاب چپ و کمونیست در کردستان ، اما سنت و سیاستهای متفاوت این احزاب ۴۰ سال است که در آن جامعه پراتیک می شود و با زندگی ۴۰ ساله



## سنت مبارزات انقلابی در کردستان با اخاذی و ترور سازمان

### پژاک بیگانه است

#### همایون گدازگر

بر موقعیت مردم جامعه کردستان ندارد .

شرایط اختناق و سرکوب مداوم جمهوری اسلامی و عقب نشینی به نیروهای چپ و همچنین عدم حضور و بی افقی احزاب مسلح ناسیونالیست کرد در منطقه موجب یکه تازی و اخاذی و ترور توسط اینها شده است . عملکرد و حضورشان بیشتر مایه نا امنی و ترس است تا انتظار کمکی به هزاران درد ورنج مردم زحمتکش .

فاقد رهبران دلسوز و خوشنام و توده ای در بین مردم هستند و وجودشان باعث ترس و وحشت است نه امنیت برای جامعه . و بالاخره عدم حساسیت جمهوری اسلامی به حضور افراد مسلح پژاک در منطقه ، درحالیکه هر تیم و گروه مسلح احزاب دیگر از طرف نیروهای رژیم سریعاً شناسایی و تعقیب می شوند نیز دلیل دیگری است برای هوشیاری مردم و احزاب سیاسی در مقابل بندو بست این جریان با جمهوری اسلامی .

اما همانطور که اشاره رفت سازمان پژاک از نظر برنامه و اهداف سیاسی حتی در چهار چوب احزاب ناسیونالیست کردستان نمی گنجد و در کل ربطی به حل مسئله ملی و رفع ستمگری ملی در کردستان ندارند .

خواستهای دم بریده اداری و فرهنگی که از دولت جمهوری اسلامی طلب می کنند بمراتب عقب تر از اصلاح طلبان حکومتی و جبهه متحد کرد است . مصوبات و اسناد کنگره و جلساتشان در مورد مردم کردستان ایران هیچ ضرری برای جمهوری اسلامی ندارد و خیلی مواقع طرحهای فرهنگی عوامل جمهوری اسلامی برای منحرف کردن تنفر و اعتراض جامعه علیه رژیم ، از خواست و مطالبات اینها جلوتر است . برنامه و اهداف سیاسی اشان که بر گرفته از پ.ک.ک و تئوریهای عبدالله اوجلان است ، یکسری موهومات و خیالات هوایی است که هیچ انطباقی با سنت سیاسی و مطالباتی مردم کردستان ایران ندارد .

اما باین وجود این جریان اگرچه ریشه ای در مبارزات ۴ دهه گذشته مردم کردستان ندارد ، می تواند در آینده در سیر تحولات انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی مانع و یک خطر جدی باشند . مسئله تنها ترور و اخاذی از مردم زحمتکش نیست . در تحولات منطقه ای و با توجه به سیاست نزدیکی پ.ک.ک با دولت های سرکوبگر منطقه در خیزش های توده ای آتی علیه رژیم ، این جریان می تواند در مقابل مردم پیا خواسته و احزاب سیاسی کردستان یک نیروی مزاحم باشد . شاخ و شانۀ کشیدنیهای همین امروز این جریان نه تنها در مقابل کمونیستها ، بلکه حتی در مقابل جریان ناسیونالیست کرد نشان از آمادگی و ظرفیتهای مخرب آنها

برای ایفای چنین نقشی در جامعه کردستان است . در مقابل این تهدید وظیفه مردم و جریانات سیاسی و هرفرد آزادیخواه و انقلابی مهم و تعیین کننده است . احزاب و جریانات ناسیونالیست علیرغم مخالفت با پژاک ، اما از آنجا که خودشان هم تاریخاً در یک بخش از اعمال و کردار ضد مردمی آنها شریکند ، از مقابله و نقد سیاستهای آنان ناتوانند . علاوه بر آن وابستگی این احزاب به احزاب حاکم در اقلیم کردستان عراق و رابطه متفاوت آنها با پ.ک.ک آنها را از سر حفظ منافع مادی و حزبی به یک موضع فرصت طلبانه بده و بستان و حفظ موازنه بین این احزاب انداخته است .

در نتیجه وظیفه نقد ، افشا و منزوی کردن این جریان تماماً بر دوش صف آزادیخواهان جامعه کردستان و افراد و جریانات کمونیست افتاده است . باید با حوصله و پیگیری چگونگی پیدایش ، اهداف و آینده این جریان شفاف روشن برای مردم و بخصوص کارگران و مردم زحمتکش کردستان توضیح داده شود . روشن است تنها تبلیغ و توضیح برای کنار زدن ممانعت آنها کافی نیست .

بخصوص احزاب چپ و کمونیست و تشکلهای کارگری و انقلابی بی که تاریخاً از قربانیان ردیف اول چنین توطئه گری ها هستند ، باید با ابتکار در همه عرصه ها خود و جامعه را برای خنثی کردن آن سازمان دهند . در اینجا و در همین رابطه لازم است به موضع کومه له ( سازمان کردستان حزب کمونیست ایران ) اشاره ای بشود . کومه له که هنوز از برنامه حزب کمونیست ایران پیروی می کند و هنوز مصوباتی از قبیل " دفاع از حقوق پایه ای مردم زحمتکش در کردستان " ویا " قطعنامه حاکمیت توده ای و شورایی در کردستان " را تبلیغ می کند ، در برابر پژاک و اخاذی از همین مردم زحمتکش و ترورهای آن نه تنها سکوت کرده است بلکه با برقراری رابطه دوستانه با آنها در واقع به توهم در میان مردم در مورد این جریان دامن می زند . رهبری کومه له هر حساب و کتابی که برای این نزدیکی و این مماشات کرده باشد ، باید بداند صدمات و عواقب آن علاوه بر جنبش کارگری و آزادیخواهان در کردستان، دامن خود آنها را هم خواهد گرفت .

همچنین ادامه این سیاست به منزوی شدن کومه له در انظار توده های مردم کردستان خواهد انجامید .

۸ تیر ۱۳۹۹

همایون گدازگر

## بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست

### نه به فقر، فلاکت و بیکاری

## حرمت، معیشت و سلامت کلیه ساکنین ایران باید تضمین شود!

طبقه کارگر در هر مقطع در عرصه های نبرد تاکتیکی مشخص برجسته و جاری میشود. در این مقطع حساس مقابله و سنگربندی جنبش طبقه کارگر و جنبش اعتراضی توده ای علیه فقر و فلاکت و بیکاری به مثابه عرصه های تاکتیکی عاجل نبرد جاری بیش از هر دوره ای مبرمیت دارد. براین اساس فراخوان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست اینست:

**- جنبش سازمانیافته و هدفمند "نه به فقر و فلاکت و بیکاری" را به میدان بکشیم!**

عرصه های مبارزات جاری علیه وضع موجود، علیه تعرض معیشتی، اقتصادی و سیاسی حاکمیت جمهوری اسلامی متنوع است. طبقه کارگر و مردم تحت فشار به طور مستمر، در جبهه های متعدد مبارزه اجتماعی و طبقاتی از جمله علیه فقر و دستمزدهای ناچیز، علیه بیکاری میلیونی و بیکارسازیهای گسترده این دوره، علیه تعرض به حقوق پایه و گرانی و نبودن امکانات سلامتی و پزشکی و بهداشتی و در یک کلام علیه اوضاع فلاکت بار زندگی در مبارزه ای بی وقفه اند. هر تک اعتصاب و اعتراض و موفقیتی در این عرصه های نبرد مبارزاتی مهم و با ارزشند، اما کافی نیستند. یک صفبندی و سنگربندی موثرتر و متحدتر و گسترده تر لازمست. فصل مشترک همه این مبارزات ایستادگی در مقابل تحمیل فقر و فلاکت و گرسنگی و بیکاری است. اکنون وقت آن است همه بخشهای مختلف این مبارزه، آگاهانه و مبتکرانه و سازمانیافته، با خواست و شعار سلبی و محوری "نه به فقر و فلاکت و بیکاری" به میدان بیایند. نیروی فعاله و ستون فقرات شکل دادن به چنین صفبندی مبارزاتی، جنبش طبقه کارگر است. فراخوان ما اینست رهبران و پیشروان آگاه جنبش کارگری و کمونیستهای طبقه

جهان و در ایران پذیرفتنی نیست. رسالت طبقاتی و تاریخی طبقه کارگر و کمونیسم ایجاب میکند، در مقابل طرحهای رفع بحران و بازسازی نظم کاپیتالیستی بحران زده و لطمه خورده از کرونا و در دوره پسا کرونا، جنبش کمونیستی و کارگری آلترناتیو رهایی از کلیت نکبت سرمایه را به میدان آورد. اما برای مقابله با طرحهای انباشته از رنج و مرگ و محنت کاپیتالیستی آلترناتیو کارسازی، غیر از ایستادگی و مبارزه سازمانیافته و هدفمند طبقه کارگر و مردم تحت فشار به منظور به شکست کشاندن طرحهای سبعمانه و نهایتاً ساقط کردن بورژوازی از اریکه قدرت موجود نیست. در ادامه مبارزات گسترده دی ماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ و ابراز وجود امید بخش جنبش کارگری و اردوی طبقه کارگر در سالهای اخیر، مشاهده جنب و جوش تظاهراتها و اعتراضات کارگری و توده ای بر بستر خشم و انزجار عمیق تلنبارشده، فاکتورهای واقعی و قوی عروج مجدد انفجارات اجتماعی و اعتصابات و اعتراضات کارگری و توده ای در مقابل بورژوازی افسارگسیخته و رژیم جمهوری اسلامی است. نظام اسلامی سرمایه در ایران یکی از ضعیفترین حلقه های سرمایه داری جهانی است و میتواند و باید با نیروی مبارزاتی کارگران و مردم تشنه رهایی جامعه به زیر کشیده شود.

**علیه فقر، فلاکت و بیکاری: یک قلمرو عاجل نبرد طبقاتی!**

جنبش طبقه کارگر و جنبش توده ای رادیکال در نبردی مستمر برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و ساقط کردن کامل بورژوازی از اریکه قدرت در تلاشند. این پاسخ قطعی جنبش آزادیخواهانه ما برای پایان دادن به همه مصائب ناشی از حاکمیت سیاه کاپیتالیستی موجود و جمهوری اسلامی است. این هدف پایه ای و استراتژیک

سونامی فقر و فلاکت و بیکاری همراه با استبداد و سرکوب و فجایع اجتماعی ناشی از آن، زندگی طبقه کارگر و اکثریت عظیم شهروندان جامعه ایران را به لبه پرتگاه کشانده است. میلیونها بیکار و بی مسکن، کارتن خواب و گور خواب و کودکان کار، زندگی زیر خط فقر بیش از نیمی از جمعیت ایران که فاقد بیمه های اجتماعی و درمانی و محروم از کمترین امکانات سلامت و بهداشت و پزشکی هستند، تصویر اولیه از موقعیت تکانهنده زندگی اکثریت عظیم شهروندان جامعه ایران است. کاپیتالیسم عمیقاً بحران زده ایران و اقتصاد در حال فروپاشی جمهوری اسلامی سرمنشاء این تراژدی است که با پیدایش و گسترش ویروس کرونا، شرایط فاجعه بارتر و غیرقابل تحملتر شده است. بر بطن موج جدید بحران اقتصادی سرمایه داری جهانی سال ۲۰۲۰ و ادامه مصیبت بار پاندمی کرونا، گسترش فقر شدید، فلاکت و بیکاری انبوه از پیامدهای نگران کننده آن است. مرگ و نیستی در ابعاد میلیونی انسانها و جامعه را تهدید میکند.

نظم استثمارگر سرمایه داری بیش از هر دوره ای ارجحیت سودپرستی و فقط تامین سود بیشتر را بر انسان و همه وجوه زندگی وی در مقابل خود قرار داده است. این نظم وارونه میخواهد پیدایش و گسترش پاندمی کرونا را به دستاویزی برای شانه خالی کردن از زیر بار فجایع به بار آمده و به روال همه دوره های بحرانزدگی به فرصتی برای سرشکن کردن پیامدهای بحران جاری علیه طبقه کارگر و بشریت تبدیل کند. سناریوی هولناک تحمیل فقر و فلاکت و بیکاری، در این دوره هم، فوری ترین دستور کار بورژوازی جهانی و به ویژه سرمایه داری مستبد و متکی به کار ارزان در ایران است. سناریوی ضد انسانی کاپیتالیسم در

## بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست

### نه به فقر، فلاکت و بیکاری

## حرمت، معیشت و سلامت کلیه ساکنین ایران باید تضمین شود!

بیکاری، به شکست کشاندن تعرض اقتصادی و سیاسی حکومت اسلامی و ایجاد بهبود جدی و سریع در شرایط کار و زندگی طبقه کارگر و مردم محروم جامعه ایران است. تردیدی نیست هر قدم پیشروی این جنبش در گرو یک قدم عقب راندن جمهوری اسلامی است. نهایتاً بهبود جدی شرایط زندگی کارگران و مردم در گرو به زیر کشیدن حاکمیت جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری است. به این ترتیب مبارزه و جنبش "نه به فقر و فلاکت و بیکاری" بخش لاینفک جنبش انقلابی سرنگونی جمهوری اسلامی با اتکا به جنبش طبقه کارگر و اردوی آزادیخواهی است که حول سیاست و رهبری کارگری - کمونیستی بسیج شده اند.

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست توجه کارگران و مردم را به این واقعیت جلب میکند که هیولای "فقر و فلاکت و بیکاری" تهدید بزرگی علیه طبقه کارگر و شهروندان جامعه ایران است. فراخوان ما اینست با سازماندهی مبارزه و جنبش قدرتمند "نه به فقر و فلاکت و بیکاری" و با خواست، "حرمت، معیشت و سلامت کلیه ساکنین ایران باید تضمین شود" این تهدید و سرمنشأ این تهدید سرمایه داری حاکم و جمهوری اسلامی را به شکست بکشانیم و تحقق آزادی، برابری و رفاه همگانی را ممکن کنیم.

۱۶ خرداد ۱۳۹۹ - ۵ ژوئن ۲۰۲۰

کارگر با ابتکار و خلاقیت و همگامی و اتکا به پلاتفرم روشن، سازماندهی و رهبری مبارزه و جنبش "نه به فقر و فلاکت و بیکاری" را تضمین کنیم.

### - حرمت، معیشت و سلامت کلیه ساکنین ایران باید تضمین شود!

خواسته های برحق متعددی علیه شرایط فلاکتبار زندگی در مبارزات جاری مطرحند. اما مبارزه و جنبش "نه به فقر و فلاکت و بیکاری" لازمست حول خواست اثباتی و محوری شفاف متحد شود. خواستی که در این دوره میتواند شرایط زندگی طبقه کارگر و مردم زیر فشار را به فوریت بهبود بخشد، و در این دوره میتواند مبنای اتحاد و همبستگی بخشهای مختلف مبارزاتی باشد، خواست "حرمت، معیشت و سلامت کلیه ساکنین ایران باید تضمین شود" است. منظور از تامین حرمت؛ برابری کامل شأن افراد در مقابل قانون و منظور از معیشت و سلامت به معنای وسیع کلمه، یعنی تامین همه وجوه زندگی شایسته انسان مطابق آخرین دستاوردها و استانداردها که انسان امروز به آن نیاز دارد. یعنی هیچ شهروند و ساکن ایران تحت هر شرایطی دغدغه تامین غذا و پوشاک کافی، مسکن مناسب، طب و سلامت و بهداشت، تحصیل و آموزش رایگان، امکان و زمان فراغت و تفریح، دسترسی به ترانسپورت و دیگر مایحتاج ضروری زندگی را نداشته باشد. با اتکا به اراده و مبارزه موثر و قدرتمند میتوان و باید دولت را به "تضمین بی اما و اگر حرمت، معیشت، و سلامت کلیه ساکنین ایران" موظف کرد.

### - شوراها را در مراکز کار و محلات باید ایجاد کرد!

پیشروی و پیشبرد مبارزه و جنبش "نه به فقر و فلاکت و بیکاری" در گرو اتحاد و سازمانیابی توده ای این جنبش است. ایجاد شوراها در هر مرکز کار و رشته کارگری و هر محله و شهر، سازماندهی و تقویت یک جنبش شورائی، ابزار و پایه اصلی متشکل شدن و قدرتمند شدن مبارزه و جنبش "نه به فقر و فلاکت و بیکاری" است. لازمست رهبران و فعالین کمونیست جنبش طبقه کارگر و اردوی انقلابی در هر جا که هستند، در مراکز کار و رشته های کارگری، در محلات، در مراکز آموزشی و دانشگاهها و میان نسل جوان محروم از کار و معیشت و توده عظیم بیکاران، ابتکار سازماندهی شوراها را بدست بگیرند. سازماندهی شوراها و جنبش شورایی ضرورت حیاتی پیشبرد مبارزه این دوره و مبارزه علیه فقر و فلاکت و بیکاری است.

- جنبش "نه به فقر و فلاکت و بیکاری" بخش لاینفک نبرد برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ساقط کردن حاکمیت بورژوازی است!

هدف مستقیم و فوری مبارزه و جنبش "نه به فقر و فلاکت و

**جهان بدون فراخوان**

**سوسیالیسم، بدون امید**

**سوسیالیسم، بدون خطر**

**سوسیالیسم، به چه**

**منجلائی تبدیل می شود!**

**منصور حکمت**

**نه به فقر، نه به تبعیض، مرگ بر جمهوری اسلامی!**

## اعلامیه کمیته کردستان حزب حکمتیست در باره

# عملیات نظامی مشترک جمهوری اسلامی و رژیم

## ترکیه در کردستان عراق

از روز دوشنبه گذشته نیروهای سرکوبگر رژیم ترکیه و جمهوری اسلامی با هماهنگی مشترک دست به عملیاتی هماهنگ در کردستان عراق زده اند. این تعرض بیش‌رمانه که به بهانه تعقیب اپوزیسیون این رژیم‌ها شروع شده است، خساراتی به مردم بیدفاع وارد آورده و باعث ترس و رعب و وحشت در منطقه شده است. ابتدا اردوگاه آوارگان در مخمور و سنگال در اقلیم کردستان مورد حمله هواپیماهای ترکیه قرار گرفتند و همزمان نیروهای جمهوری اسلامی در منطقه حاجی عمران اقدام به توپ باران مناطق مرزی کردستان عراق کردند. این تعرضات سرکوبگرانه که طی سالیان متمادی از جانب این رژیم‌ها تکرار شده است، تهدیدی جدی برای امنیت و جان و مال مردم آواره و زحمتکش این منطقه است.

اگرچه بهانه این تعرض جنایتکارانه تعقیب پ ک ک (حزب کارگران کردستان) و احزاب اپوزیسیون ایرانی است، اما بده و بستان و سهم بری این دولت‌ها در تحولات منطقه و اوضاع بحرانی سیاسی و اجتماعی داخلی این رژیم‌ها درنده دلیل اصلی این تعرض بیش‌رمانه است. ملاقات هفته گذشته مقامات جمهوری اسلامی با رژیم ترکیه و دولت عراق حاکی از توافق آنها برای این لشکر کشی جنایتکارانه است. دخالت و بده و بستان رژیم‌های ترکیه و ایران در تحولات سوریه و تحمیل یک سناریوی سیاه بر زندگی ملیون‌ها انسان، بعلاوه موج نارضایتی داخلی توده های مردم در این کشورها آن منافع مشترکی است که این دولت‌های سرکوبگر را برای انحراف افکار داخلی خود به چنین تعرض بیش‌رمانه مشترکی کشانده است.

در مقابل این درنده خویی آشکار سکوت و در واقع همسویی دولت اقلیم کردستان عراق که منافع خود را با منافع رژیم‌های سرکوبگر ترکیه و ایران همسو می بیند مشتمل کننده است. سکوت تاریخی این حکومت در مقابل کشتار و ویرانی مردمی که به بهانه دفاع دروغین از حقوق آنها در قدرت نشسته است، به درست موجب تنفر در جامعه کردستان و کشورهای منطقه شده است. همچنین موضع گیری دم بریده احزاب ناسیونالیست جمع شده در "مرکز همکاری احزاب کردستان ایران" و سکوت و قیچی کردن دخالت ترکیه در تعرض به مردم کردستان عراق در اعلامیه شان، دلیل دیگری است بر بیربطی این جریان‌ها با منافع و سرنوشت مردم کردستان و ارجحیت دادن منافع و وابستگی با دولت اقلیم کردستان بر سرنوشت و امنیت مردم این منطقه.

کمیته کردستان حزب حکمتیست همچنانکه در گذشته هم اعلام کرده است، این تعرض وحشیانه بر امنیت و زندگی مردم زحمتکش کردستان عراق را بشدت محکوم می کند و از سازمانها، تشکل‌ها و نهادهای انسان دوست انتظار دارد در مقابل این سرکوبگری آشکار ساکت ننشیند. قطعا اعتراض و مبارزه موجود مردم آزادیخواه و عدالت طلب در کردستان عراق، ایران و ترکیه می تواند در مقابل این تعرض وحشیانه و کوتاه کردن دست رژیم‌های جنایتکار ایران و ترکیه نقش بسزایی داشته باشد.

**دست سرکوبگران از سر مردم بیدفاع کردستان عراق کوتاه!**

۳۰ خرداد ۱۳۹۹

من به هیچ خرافه‌ای، به هیچ ناحقی، حتی اگر همه مردم جهان به آن صحنه بگذارند، احترام نمیگذارم. این را البته حق هر کس میدانم که به هر چه میخواهد یاور داشته باشد. اما میان احترام به آزادی عقیده افراد با احترام به عقیده افراد فرق اساسی هست. ما بر فراز جهان ننشسته‌ایم و داور این دنیا نیستیم. بازیگران و شرکت کنندگان در آن هستیم. هر یک گوشه‌ای از این جدال تاریخی-جهانی هستیم که به نظر من از آغاز تا امروز بر سر آزادی و برابری انسانها در جریان بوده است. من به خرافاتی که با آنها در حال جنگم و زجر انسانها را در چنگال آن دیده‌ام، احترام نمیگذارم. "منصور حکمت"





زنده باد کارد آزادی  
به کارد آزادی پیوندید

ادرس تماس با رهبری کارد آزادی

Gardd.azadi@gmail.com

0046739498231



تلویزیون پرتو

رسانه تصویری مزب حکمتیست

دبیر کمیته کردستان : صالح سرداری

Email:saleh.sardari@gmail.com

روابط عمومی کمیته کردستان: ابوبکر شریف زاده

Abo\_sh2008@hotmail.com

اکتبر نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست است که دو هفته یک بار منتشر می شود!

سردبیر نشریه : اسماعیل ویسی

Esmail.waisi@gmail.com

**زنده باد تشکیل شوراها!**